

فعال فرهنگی محله قدس، از تلخ و شیرین خدمت سربازی اش می گوید

ماجرای جن ملافه پوش



صندوق
خاطرات

از بقیه گرسنه می شدم. به همین دلیل بیشتر از دیگران گرسنگی کشیدم و این دوره برایم سخت تر گذشت.

●● بند آمدن زبان سرگروهیان

خاطره جالبی که آقامجتبی تعریف می کند، مربوط به همان دوران آموزشی در پادگان بیرجند است. او می گوید: دوره سه ماهه آموزشی، بدون مرخصی و ملاقات بود و حتی اجازه رفتن به شهر را هم نداشتیم. این شرایط باعث شده بود روحیه بچه ها خراب شود. وی در ادامه خاطره خود را این گونه بازگو می کند: یک شب تصمیم گرفتم برای تغییر روحیه بچه ها و ایجاد کمی شادی، ایده ای اجرا کنم. ملافه ای روی سرم کشیدم و بین بچه ها رفتم. در مسیر پادگان، ناگهان به سرگروهیان کشیک برخوردیم. او که به شجاعت و دلیری معروف بود، با دیدن من، زبانش بند آمد و به طرف دفترش فرار کرد. من هم بلافاصله متواری شدم.

صبح روز بعد، در مراسم صبحگاه، سرگروهیان ماجرای شب قبل را برای همه تعریف کرده و ادامه داده بود: «دیشب با موجودی بزرگ، هیكلی و سفید شبیه جن روبه رو شدم. از امشب باید تعداد نگهبانان را دو برابر کنیم.» حسن زاده که از اصل ماجرا باخبر بود، سرش را پایین انداخته بود و بی صدا می خندید.

چند روز بعد، او به دفتر سرگروهیان رفت و حقیقت ماجرا را برایش تعریف کرد. سرگروهیان هم از شدت عصبانیت، دو بار دور تمام محوطه دنبالش کرد تا او را تنبیه کند، اما موفق نشد.

گرم و شب های سرد استخوان سوز. اما مشکل اصلی، گرمای روز و سرمای شب نبود، بلکه غذای بدمزه پادگان بود. غذایی که به قول مجتبی حسن زاده، «آب زپیو» بود، اما چاره ای جز خوردن آن نداشت؛ چون برای تحمل تمرینات طاقت فرسای آموزشی، باید نیرو می گرفت.

او می گوید: وقتی پس از ساعت ها پیاده روی با کوله پشتی در زمین های خاکی و سنگلاخ به پادگان برمی گشتیم، آن قدر گرسنه بودیم که حاضر بودیم آجر هم بخوریم. تازه آنجا بود که قدر غذاهای خوشمزه و لذیذ مادرم را دانستیم.

وی در ادامه می افزاید: به خاطر هیكل درشتی که داشتیم، زودتر



حسین برادران فرا خاطرات زندگی اش را که مرور می کند در هر دوره حوادثی اتفاق افتاده که او را پخته تر و باتجربه تر کرده است. در مرور همه این سال ها دوسال دوران خدمت سربازی هرچند برایش اوسخت بود ولی از او یک مرد ساخت. مجتبی حسن زاده، فعال فرهنگی ساکن محله قدس، خاطره ای جالب از این دوره را برایمان تعریف می کند.

●● انتخابی درست در مسیر مقاوم شدن

مجتبی حسن زاده بین سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ دوران خدمت سربازی خود را در ارتش گذراند. شروع خدمتش مصادف با فوت ناگهانی پدرش بود. او در این باره می گوید: در آن زمان در وضعیت روحی بسیار نامناسبی به سر می بردم. برخی از بستگان با اعزام من به خدمت سربازی در آن شرایط مخالف بودند.

مجتبی که در نوجوانی بارها شنیده بود سربازی از انسان مرد می سازد، با جمع کردن لباس هایش و بدون خدا حافظی از مادر و خانواده، راهی پادگان شد. او سال ها بعد به این باور رسید که انتخابش درست بوده است. او تعریف می کند: اگر به سربازی نمی رفتم، هرگز توانایی مقابله با ناامیلات و سختی های زندگی را پیدا نمی کردم.

●● حاضر بودیم آجر بخوریم

از نظر این سرباز قدیمی، سخت ترین دوران خدمت، همان دوره آموزشی در پادگان ۴۰ بیرجند بود؛ پادگانی در دل کویر باروزهای

بوستان های خطی امروز منطقه یک، خاطره ای از کال پرآب و خطرناک مشهد را در دل خود دارند

از مسیل تامسیر سبز قره خان



مکان نما

●● از غوطه در آب تا بوستان های خانوادگی

محسن ماهفر، از ساکنان قدیمی خیابان قائم (عج)، از شنا در این کال، خاطره دارد و می گوید: تابستان ها در مسیر کال هر جا عمق کمتری داشت، با سنگ مسیر آب را می بستیم و در حوضی که ایجاد می شد، غوطه می خوردیم. به مرور که شهر بزرگ تر و ساخت و سازها بیشتر شد، با مشکلاتی که کال برای شهر ایجاد کرده بود، روی آن را بستند و داخلش را لای روبی کردند.

او ادامه می دهد: با ساخت و سازهایی که انجام شد و از بین رفتن باغ ها، محدوده احمدآباد دیگر فضایی برای بوستان و تفریح شهروندان نداشت؛ برای همین شهرداری از اوایل دهه ۸۰ مسیرهای خاکی کال را تبدیل به بوستان کرد. سال ها این کال محل تجمع زباله و حیوانات بود، اما حالا هر روز خانواده ها برای ورزش و بازی بچه ها به بوستان هایی می آیند که در مسیر این کال قدیمی احداث شده است.

سطحی و سیلاب هسته ای در جنوب و مرکز شهر ایفا می کند.

کال قره خان از مهم ترین مسیل های شهر مشهد است که حوضه آبریز آن ۲۸۶ هزار مترمربع و عرض بسترش ۲۶ متر است. این کال از خیابان فلسطین به سمت کلاهدوز و تا خیابان دانشگاه در منطقه یک امتداد دارد. مسیر آن از خیابان فلسطین (مکان فعلی فروشگاه شهرما) آغاز می شود و بوستان هایی همچون صفا و شیرین را دربر می گیرد. سپس به بوستان بخارایی و کلاهدوز می رسد و ادامه این بوستان خطی در خیابان های بابک، ابونصر و سلمان امتداد پیدا می کند و به خیابان قائم (عج) و بوستان قائم (عج) می رسد. در منطقه یک، با رسیدن به بوستان ادب و خیابان دانشگاه به پایان می رسد و مسیر آن در شهرداری منطقه ۸ ادامه پیدا می کند.

این بوستان ها همگی بر بستر یا در امتداد مسیر کال احداث شده اند و همچون زنجیره ای سبز، پیوند دهنده محله های قدیمی و جدید منطقه هستند.

احیای کال قره خان و تبدیل آن به بوستان، علاوه بر زیبایی شهری، چندین مزیت اساسی برای منطقه داشته است: افزایش سرانه فضای سبز، مدیریت رواناب ها، افزایش سرزندگی محله و ایجاد فضایی برای تفریح خانوادگی.

صدرا بوستان های خطی که امروز در منطقه یک می بینید و از زیبایی شان بهره می برید، روزگاری به اسم کال قره خان شناخته می شد و مردم از نازیبایی ها و خطرات آن رنج می بردند. این کال یکی از مسیل های پرآب و نسبتاً خطرناک مشهد بود که از غرب شهر تا شرق آن امتداد داشت. در مسیر خود از محله های قدیمی همچون فلسطین، دانشگاه، سناباد و کوی دکتر عبور می کرد و به گفته اهالی، به دلیل عرض زیاد و شیب تند، همواره یکی از نقاط بحرانی در زمان بارندگی بود. اما امروز چهره کال قره خان تغییر کرده و سرسبزی، جای آن فضا را گرفته است.

با اجرای طرح های عمرانی و سامان دهی کال ها توسط شهرداری، بخش هایی از این مسیر قدیمی در محدوده منطقه یک به بوستان های خطی و پیوسته تبدیل شده است؛ فضاهایی که نه تنها چهره محله را تغییر داده اند، بلکه به محل رفت و آمد، تفریح و آرامش ساکنان تبدیل شده اند.

●● از کال خشک تا ریه سبز محله ها

کال قره خان روزگاری از باغ ملک آباد آغاز می شد، ولی رفته رفته با گسترش ساخت و سازها و معابر، ابتدای آن به اواسط خیابان فلسطین رسید و این آبرفت شهری امروز از خیابان فلسطین تا بولوار شهید صدر امتداد دارد و نقشی اساسی در هدایت آب های